



تراژدی تانکهای چیفتن؛ یک بازی چهل و هفت ساله

بدعهدی و نقض قرارداد توسط بریتانیا در مساله ارسال تانکهای چیفتن به ایران، با وجود دریافت کامل مبلغ همه موارد پیش فروش شده، در چند مرحله صورت گرفت. لغو بخشی از این قرارداد به طور ناگهانی و با سفر ارتشبد حسن طوفانیان در دوران کوتاه نخست وزیری دکتر شاپور بختیار صورت گرفت. سپس در دوران یک سال نخست پس از پیروزی انقلاب بخشهایی از قراردادهای نظامی با ایران به صورت دوجانبه و یا یک جانبه از سوی بریتانیا ملغی شد. سپس نوبت به اعمال تحریمهای ضدایرانی به دلیل انقلاب، اشغال سفارت آمریکا در تهران و آغاز جنگ و تجاوز عراق علیه ایران رسید.

در روزهای اخیر، اظهار نظرهای مختلفی از سوی دیپلماتها، مورخان، تحلیلگران و روزنامه نگاران در تهران و لندن، در موضوع طلب چند صد میلیون پائندی ایران از بریتانیا و بازپرداخت آن پس از ۳۸ سال مطرح شده است.

نظرات ارایه شده در روزهای اخیر عمدتاً حول دو محور رد یا تأیید گمانه‌زنی درباره بازپرداخت این بدهی در ازای آزادی احتمالی خانم نازنین زاغری - رادکلیف و یا مساله بدعهدی، تاخیر دولت بریتانیا در پرداخت بدهی خود به ایران و یا مبلغ واقعی این بدهی به قیمت امروز به حسب ارزش واقعی پول در گذر زمان طرح شده است. با این همه احتمالاً در لندن یا تهران، کسی به بررسی تاریخی، دقیق، مستند و واقعی ماجرای قرارداد تانکهای چیفتن از آغاز مذاکرات آن در سال ۱۹۷۰ میلادی تا امروز که ظاهراً ماجرا به پرداخت بدهی مالی بریتانیا به ایران منجر شده، علاقه نشان نداده است.

بر اساس اسناد آزاد شده بریتانیایی، مذاکره برای فروش تانکهای بریتانیایی به ایران تقریباً از آغاز سال ۱۹۷۰ و به صورت معامله تهاتری با نفت ایران آغاز شده بود. با این همه، موانع مختلفی بر سر راه این قرارداد بود. از یک طرف ایران از نظر اقتصادی قادر به رسیدن به اهداف بلندپروازانه خود برای خریدهای بزرگ نظامی نبود و از طرف دیگر برخی از امرای نظامی ایران، از جمله ارتشبد فریدون جم رییس وقت ستاد ارتش با این قرارداد مخالف بودند. بر اساس منابع داخلی و خارجی، شهرت بسیاری دارد که مخالفت جم با خرید تانکهای بریتانیایی، یکی از دلایل تیره شدن روابط او با محمد رضا شاه و برکناری / استعفای جم بوده است. با این حال، ایران به طور محدود تعداد کمی از این تانکها را خریداری کرد و ماموران بریتانیایی نیز به تدریج آموزش پرسنل زرهی ایران را آغاز کردند.

با بروز تحولات سال ۱۹۷۳ و افزایش ناگهانی توان اقتصادی ایران به مدد جنگ دوم اعراب و اسرائیل، تحریم نفتی اروپا و آمریکا توسط اعراب و سه تا چهار برابر شدن بهای جهانی نفت خام، مساله سفارش و خرید عمده و وسیع تانکهای بریتانیایی توسط ایران شتاب بیشتری گرفت. در طول سفر لرد کرینگتون وزیر دفاع بریتانیا به تهران، از سی ام سپتامبر تا سوم اکتبر ۱۹۷۳ / هشتم تا یازدهم مهر ۱۳۵۲، وی علاوه بر دیدار با شاه، امیرعباس هویدا نخست‌وزیر، سپهبد رضا

عظیمی وزیر جنگ و چند تن دیگر از فرماندهان نظامی ایران، از تیم نظامی بریتانیایی نیز دیدن کرد که برای آموزش نمونه تانک‌های چیفتن در مراکز نظامی شیراز حضور داشتند. در گزارشی که سفارت بریتانیا در مورد این سفر تهیه کرده تأکید شده که ایران نگران مشکلات تکنیکی تانک‌های بریتانیایی ارتش بود و به‌خصوص در مورد کارکرد ناقص موتورهای بی‌اچ‌بی ۶۵۰ تانک‌های چیفتن شکایت داشت. با این‌همه کرینگتون شخصاً به شاه اطمینان داد که به‌سرعت دستور رفع این مشکلات را بدهد.

بر اساس قرارداد منعقد شده در این سفر، در اواخر سال ۱۹۷۳، به تعبیر پیتر رمزباتم، سفیر وقت لندن در تهران، یک قلم مهم از سهم لندن از کیک خریدهای تسلیحاتی ایران، سفارش ۲۵۰ فروند تانک سریع زرهی سوار اسکورپیون بود که ظاهراً قرار بود ادامه یابد. گذشته از آن در همین مدت، هشتصد فروند تانک چیفتن نیز توسط ایران از بریتانیا خریداری شد، که تا آخر سال ۱۹۷۳ حدود دویست فروند آن به ایران تحویل شده بود.

باید توجه داشت که ایران، سوای الزامات پیمان سنتو با هم پیمانان خود (آمریکا، بریتانیا، پاکستان و ترکیه)، به شدت به دنبال افزایش توان زرهی خود در برابر عراق بعثی بود؛ برخی از گزارش‌های وزارت خارجه و وزارت دفاع بریتانیا در سال ۱۹۷۵، در مورد اختلاف ایران و عراق به ارزیابی مقایسه‌ای امکانات نظامی دو کشور مربوط است. بر اساس یکی از این گزارش‌ها عراق ۱۲۲۰ دستگاه تانک سنگین و ایران تنها ۷۶۰ تانک سنگین داشت. از این نظر عجیب نبود که شاه سفارش ۴۵۰ دستگاه تانک چیفتن جدید را به لندن داده بود تا از این نظر از عراق عقب نماند.

در یک گزارش دیگر که به مناسبت دیدار مقامات نظامی دو کشور تهیه شده خلاصه وضعیت مناسبات نظامی ایران و بریتانیا مورد بررسی واقع شده است. در این گزارش میزان خریدهای نظامی ایران از بریتانیا در سال ۱۹۷۵ حدود هشتصد میلیون پوند و میزان خریدهای احتمالی آن در آینده‌ای نزدیک پانصد میلیون پوند ذکر شده است. از این میان بیشترین حجم خریدهای تسلیحاتی ایران از بریتانیا مربوط به دو قرارداد خرید تانک‌های چیفتن، یکی ۷۶۴ دستگاه و دیگری ۱۵۰۰ دستگاه روی هم به مبلغ ششصد میلیون پوند بود. در زمان نگارش این گزارش، ۴۷۰ دستگاه تانک چیفتن به ایران تحویل داده شده بود.

در پایان سال ۱۹۷۴ ایران سفارش خرید ۵۰۰،۱ دستگاه از نمونه جدید و تکامل‌یافته تانک چیفتن را به بریتانیا داده بود. این در حالی بود که قبلاً نیز ۷۵۰ دستگاه از همین تانک به ایران تحویل داده شده بود. ایران همچنین خواستار خرید ۲۴۶ وسیله نقلیه تعمیر خودروهای زرهی شده بود. مبلغ درخواستی ایران از بریتانیا بابت تجهیزات زرهی ششصد میلیون پوند (براساس قیمت پایان سال ۱۹۷۴) تخمین زده می‌شد که به همراه تجهیزات، ملزومات اضافی و لوازم یدکی، کل مبلغ خرید زرهی ایران از بریتانیا در پایان سال ۱۹۷۶ به یک میلیارد پوند می‌رسید.

در این زمان ایران همچنان از بابت تانک‌های چیفتن و تحویل آنها با بریتانیا مشکل داشت؛ مشکلاتی از قبیل ناسازگاری موتورهای چیفتن با وضعیت ایران و همچنین اعتصاب در کارخانجات نظامی بریتانیا و تأخیر در ساخت و تحویل

تانک‌های چیفتن درخواستی به ایران. ولی به دلیل اهمیت راهبردی و غیرقابل چشم‌پوشی نظامی و اقتصادی این قرارداد، مقامات بریتانیا مدام سعی می‌کردند تا شاه، دولت فرماندهان نظامی ایران را به هر طریق ممکن متقاعد کنند تا این قرارداد پابرجا بماند. تا جایی که در این مورد دو تصمیم مهم گرفته شد؛ نخست آن که مدل خاصی از چیفتن بر اساس شرایط و نیازهای ویژه ایران به نام تانک شیر تولید شود و دوم آن که فروش این نوع خاص از چیفتن منحصرأ به ایران اختصاص یابد.

تا پایان سال ۱۹۷۶، به دلیل توان بالای اقتصادی ایران، مناسبات نظامی دو کشور، به خصوص مسایل مربوط به تانک چیفتن و آموزشهای زرهی و ارسال تجهیزات و کارشناس این حوزه به خوبی پیش می‌رفت. با این همه، از سال ۱۹۷۷ و به دلیل بروز مشکلات و موانع جدی اقتصادی به دلیل رکود در بازارهای انرژی، حکومت ایران پس از پنج سال مجدداً به پیشنهاد عرصه مستقیم و تهاتری نفت خام به جای پول در معاملات تسلیحاتی روی آورد. از سوی دیگر، برای نخستین بار، دو موضوع مهم و جالب توجه در ماجرای ایران و چیفتنهای بریتانیایی رخ داد. نخست دستگیری سه افسر بریتانیایی - به سرپرستی سرهنگ مارک رندل - دخیل در معاملات چیفتن و وارد شدن اتهامات جدی در این مسیر به سرشاپور ریپورتر دلال سیاسی، امنیتی و نظامی دوجانبه بین تهران و لندن و مشاور شرکت نظامی میلبنک/ام.تی.اس و محاکمات و گزارشهای پر سر و صدا درباره رشوه‌خواری برخی از مقامات و اتباع دو کشور در معاملات نظامی و دوم، تنش بر سر تلاش غیرقانونی و خلاف عهد بریتانیا برای فروش تانک‌های چیفتن - یک‌جا پیش‌خرید شده ایران - به کشور هند. البته مسأله محاکمه سه افسر بریتانیایی با استرداد مبالغ رشوه و حکم خفیف زندان آنان و لاپوشانی مطلق برای ریپورتر فیصله یافت.

به خواست و سفارش کارشناسان ایرانی، چیفتن تحویلی بریتانیا به ارتش ایران نوع تغییر شکل یافته و مجهز به زره‌پوش مدل کوبام بود که به نام شیر ایران مشهور و ثبت شده بود. مذاکرات فروش این نوع تانک‌های بریتانیایی که از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شده بود در ابتدای دهه هفتاد نهایی شد، ولی از همان ابتدا با مشکلاتی همراه بود. در سال‌های گذشته در یک مرحله ایران تقاضای تعداد بیشتر از حد معمولی از این نوع خاص تانک کرده بود، ولی مقامات وزارت دفاع لندن بهانه آورده بودند که کل ظرفیت تولید خود را به سفارش ایران اختصاص داده و امکان افزایش آن بیش از یک حد مشخص را ندارند.

مطابق یک سند محرمانه توجیهی بدون تاریخ وزارت دفاع بریتانیا، هندی‌ها اعلام کرده بودند که علاقه‌ای به مدل اصلی و کلاسیک چیفتن ندارند و فقط خواستار نوع تغییر شکل و تکامل یافته (شیر ایران) هستند. مقامات ایرانی این باور بودند که بریتانیایی‌ها با بهانه‌جویی‌های سیاسی و اقتصادی به‌طور کامل از قبول خواسته ایران سرباز می‌زنند، لذا بریتانیایی‌ها وادار شدند که ضمانت کتبی بدهند که به دلیل بالا بودن میزان تقاضای خرید ایران و محدود بودن ظرفیت تولید کارخانه بریتانیایی در شهر لیدز، تا زمانی که کل خواسته ایران برآورده نشده، شرکت سازنده چیفتن، حق فروش این نوع تانک را به هیچ کشور دیگری نخواهد داشت. ولی پس از گذشت حدود چهار سال از این ماجرا، ارتش هند جداً خواستار خرید چیفتن از بریتانیا با قیمتی مناسب شده بود، ولی ارائه ضمانت قبلی لندن به تهران در جهت پیش‌فروش همه محصولات

شیر ایران مانع انجام این قرارداد می‌شد.

نهایتاً، مطابق سند فوری و محرمانه هشتم اوت وزارت دفاع بریتانیا، با وجود اشتیاق و اصرار چند ماهه بریتانیایی‌ها و هندی‌ها و مذاکرات متعدد مقامات تهران و لندن با تصویب شاه تنها قرار شد بریتانیا به هند چنین پاسخ دهد که فروش چیفتن‌های مدل مخصوص شیر ایران به هند تا قبل از سال ۱۹۸۵ به دلیل پیش‌فروش شدن همه محصولات آن به ایران و ضرورت اجرای این تعهد ممکن نیست.

مطابق اسناد موجود، از جمله گزارش محرمانه ۱۱ ژوئیه، ظرفیت تولید و ارسال تانک‌های چیفتن شیر ایران از بریتانیا به ارتش ایران سالانه ۲۴۰ عراده اعلام شده که کمتر از حد توقع اولیه ایران و پذیرش بریتانیا بود.

یک گزارش تفصیلی محرمانه بدون تاریخ وزارت خارجه بریتانیا که احتمالاً در پاییز ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) نگاشته شده به سابقه فروش تانک‌های چیفتن و شیر ایران از بریتانیا به ایران اختصاص دارد. براساس این گزارش جمع‌بندی، از دسامبر ۱۹۷۴ شاه از بریتانیا خواست تا نوع جدیدی از تانک‌های چیفتن (شیر ایران) را طی سه مرحله از سال ۱۹۷۶ در تعداد ۱۵۰۰ عراده برای ارتش ایران تولید و ارسال کند. در فاز اول قرار بود ۲۰۰ تانک چیفتن معمولی به ایران تحویل شود، در فاز دوم قرار بود ۱۲۵ تانک شیر از نوع یک (چیفتن با تغییرات جزئی) به ایران تحول داده شود و در فاز سوم نیز ۱۲۲۵ تانک شیر از نوع دو (چیفتن با تغییرات کلی و قابلیت حمل زره‌پوش از نوع کوبام) به ایران تحویل شود.

براساس همین گزارش در آغاز سال ۱۹۷۸ ایران ۲۲۰ میلیون پوند به بریتانیا داده بود و قرار بود برای تانک شیر ایران یک حدود ۷۰ میلیون و برای شیر ایران دو حدود ۸۰۰ میلیون پوند دیگر بپردازد و سالانه ۳۰۰ تانک از بریتانیا تحویل بگیرد. قیمت هر تانک شیر ایران یک حدود ۵۱۹ میلیون پوند و شیر ایران دو حدود ۵۶۵ میلیون پوند پیش‌بینی شده بود.

به دنبال بروز مشکلات اقتصادی در ایران از سال ۱۹۷۷، شاه تصمیم گرفت تا اغلب معاملات نظامی خود را به صورت تهاتری و در برابر فروش نفت انجام دهد. این موضوع در ابتدا خلل چندانی به معاملات چیفتن وارد نکرد، ولی با اوج‌گیری اعتصاب‌های نفتی، فروش نفت در برابر قراردادهای نفتی نیز دارای مشکل شد. با پیروزی انقلاب اسلامی بریتانیا مسئله مالی را بهانه کرده و با وجود پرداخت چند صد میلیون پوند از سوی ایران به بریتانیا از فروش این تانک‌ها به ایران خودداری کرد و نمونه‌های آماده شده براساس طراحی مورد علاقه و متناسب با ایران را به دیگر کشورها فروخت.

بدعهدی و نقض قرارداد توسط بریتانیا در مساله ارسال تانک‌های چیفتن به ایران، با وجود دریافت کامل مبلغ همه موارد پیش فروش شده، در چند مرحله صورت گرفت. لغو بخشی از این قرارداد به طور ناگهانی و با سفر ارتشبد حسن طوفانیان در دوران کوتاه نخست‌وزیری دکتر شاپور بختیار صورت گرفت. سپس در دوران یک سال نخست پس از پیروزی انقلاب بخشهایی از قراردادهای نظامی با ایران به صورت دوجانبه و یا یک جانبه از سوی بریتانیا ملغی شد. سپس نوبت به

اعمال تحریمهای ضدایرانی به دلیل انقلاب، اشغال سفارت آمریکا در تهران و آغاز جنگ و تجاوز عراق علیه ایران رسید.

آغاز تجاوز نظامی عراق به ایران، فصل نوینی از معامله تلخ و باورنکردنی چیفتن را رقم زد. در شرایطی که در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ، بریتانیا نه پول ایران را پس داد و نه تانکهای فروخته شده را به ایران تحویل داد بلکه از ارسال قطعات یدکی تانکهای قبلی و تعمیر و نگهداری این تجهیزات هم خودداری کرد و در راستای تلاش برای تجهیز و تقویت رقبا و دشمنان منطقه ای ایران، شروع به فروش تانکهای ایرانی و ارائه تجهیزات یدکی و متخصصان سرویس و آموزش آنها به اردن و عراق کرد.

در شرایطی که ایران همچنان محروم از دریافت قطعات تانکهای بریتانیایی خود بود و همچنین سیاست رسمی و اعلام شده بریتانیا نیز مبتنی بر عدم همکاری نظامی با طرفین مناقشه بود، عراقی‌ها رسماً از لندن خواهان دریافت همین تانکهای متعلق به ایران و قطعات آن به صورت نو و حتی ارایه خدمات به تانکهای چیفتن غنیمت گرفته شده از ایران بودند.

مایکل هولتون مدیر فروش وزارت دفاع در نامه‌ای محرمانه به دیوید میرز مدیر کل خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۰ / ۵ آذر ۱۳۵۹ عنوان کرد که ژنرال جناب سید امین که از سوی نیروهای مسلح عراق رسماً به لندن سفر کرده بود، علاوه بر درخواست‌های نظامی دیگر، خواهان دریافت قطعات و تجهیزات چیفتن برای استفاده از ۶۹ تانک به غنیمت گرفته شده عراق از ایران در نخستین هفته‌های جنگ و همچنین کمک متخصصان بریتانیایی بود. در این نامه از قصد وزارت دفاع بریتانیا برای اعزام مخفیانه یک تیم تخصصی برای بررسی درخواست عراق خبر داده شده است.

مدیر بخش خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا نیز در یادداشت محرمانه‌ای به وزارت دفاع توصیه کرده بود که در مقابل این درخواست عراقی‌ها باید سیاست دفع الوقت را در پیش گرفت تا معلوم شود چقدر عراقی‌ها در این خواسته خود اصرار دارند و بعد درباره آن تصمیم‌گیری کرد. نگرانی مقامات نظامی و دیپلماتیک در مورد ارسال تجهیزات تکمیلی و یدکی تانک چیفتن به عراق این بود که به دلیل انحصار این تانک به ارتش ایران در خاورمیانه، امکان یافتن رد پای بریتانیا در تعمیر و راه‌اندازی تانک‌های غنیمتی عراقی و اثبات نقض بی‌طرفی نظامی بریتانیا وجود داشت. ولی این نگرانی کم‌کم رفع شد و بریتانیا بی‌ملاحظه و بی‌محابا خلاف قرارداد خود به تجهیز ارتش عراق با تجهیزات متعلق به ایران مشغول شد.

عراقی‌ها همچنین به حکومت اردن وعده داده بودند که آنها را نیز از نعمت تانک‌های چیفتن غنیمتی ایران بهره‌مند کنند. از این رو مقامات نظامی اردن نیز جداگانه از بریتانیا خواستند تا به آنها نیز تجهیزات و خدمات تعمیر و نگهداری چیفتن را ارائه بدهد؛ جواب لندن به امان در این باره تقریباً مانند جواب به بغداد بود.

تا جایی که اسناد بریتانیایی آزاد شده نشان می‌دهد، در طول جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، بر اساس

سیاست تلاش برای پیروزی عراق و سپس شکست نخوردن عراق در جنگ، بریتانیا مرتباً از راههای مختلف، از جمله ارسال تانکهای متعلق به ایران به عراق و متحدانش فعالانه علیه ایران در تلاش بود.

در موضوع تانکهای چيفتن، همانند مسایل ديگري چون ناوبالگرد خارک، البته چنديوچون مساله مالي و مسدود و ضبط کردن مطالبات و نقدینگی ایران، اهمیت جدی دارد، ولی مساله مهمتر، نقض تعهدات دوجانبه و بین المللی و ضرورت بازنگری جدی و به دور از هیجانات مثبت و منفی در تاریخ روابط ایران و بریتانیا در جهت شناخت گذشته، شناخت وضعیت کنونی و رهیابی آینده این نوع مناسبات ایران در روابط دوجانبه، منطقه ای و جهانی است. این کاری است که متأسفانه کمتر به آن اعتنا شده و معمولاً در هیاهوی شعارهای دوستان و دشمنان گسترش مناسبات ایران و غرب گم می شود.

نویسنده: مجید تفرشی (سندپژوه و تاریخ‌نگار)